

## عنوان مقاله:

در جست وجوی همسازی: رویکردی اجتماعی سیاسی در بازسازی دستگاه فکری کنفوسیوس

## محل انتشار:

مجله ادیان و عرفان، دوره 57، شماره 1 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسنده:

میلاذ اعظمی مرام - استادیار، گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

بی تردید کنفوسیوس در زمره بزرگ ترین و تاثیرگذارترین شخصیت های تاریخ اندیشه شرق دور است. با این حال، او چنان که رویه حکمای شرق است، تعالیم خود را در قالب کلمات قصار و حکمت هایی موجز به شاگردان انتقال داد و هرگز نکوشید آن ها را، چنان که رویه فیلسوفان غرب است، در قالب ساختاری نظام مند ارائه دهد. همین امر باعث شده است تا محققان درباره شخصیت و تعالیم او اختلاف نظرهای جدی داشته باشند. نویسنده مقاله پیش رو مدعی است، کنفوسیوس پیش از هر چیز، یک نظریه پرداز و مصلح اجتماعی است، نه یک فیلسوف یا یک معلم اخلاق یا یک رهبر دینی. مطابق این خوانش، آموزه محوری او همسازی (هی) است و سایر اندیشه ها و تعالیم وی را باید در نسبت با این آموزه بازخوانی کرد. به اعتقاد کنفوسیوس، اگر در وهله نخست طبقه حاکم و سپس عموم مردم وظایف خود را در قبال دیگران به درستی بشناسند (جنکمینک)، پایبندی به وظایف خود را همچو یک تکلیف دینی قلمداد کنند (لی)، انگیزه آن ها از انجام وظایف نه کسب منفعت و سودجویی، بلکه شفقت و انسان دوستی باشد (رن)، و وظایف خود را به صحیح ترین صورت ممکن عملی سازند (بی)، انسان کامل و سرمشق (جنتسه) خواهند بود؛ بدین سان جامعه نیز به سامان خواهد شد و همسازی تحقق خواهد یافت.

## کلمات کلیدی:

نظریه پرداز اجتماعی، هی، جنکمینک، لی، رن، بی، جنتسه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2066006>

